

The Effect of Media Representation of Restorative Programs on Reaching an Agreement between the Parties to a Criminal Case; with an Emphasis on murder

Seyed Doraid Mousavi Mojab¹, Leila Rahnama²

¹Assistant Professor, Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran(**Corresponding Author**). d.mojab@modares.ac.ir

²MA. Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.
LeilaRahnama¹³⁹⁸@gmail.com

Abstract

Restorative justice seeks to resolve disputes through compromise and negotiation, and in the shadow of it, the victim's losses and harms must be compensated; moreover, the victim and the offender must be returned to their normal lives in society. In order to implement the restorative programs, it's necessary to observe its elements properly, including confidentiality. However, confidentiality through the mass media is severely violated through the media representation of restorative programs and has a negative impact on the achievement of restorative agreements. In this relation, the violation of confidentiality of the murder cases and its negative effect on the achievement of a restorative agreement through the media coverage of the events is evident. By recognizing and using the legal capacities of restorative programs, and also the capacities of the mass media, they can be used to reach an agreement. This paper explains the capacities of the media and restorative programs and seeks to clarify the impact of the media representation of restorative programs on the achievement of restorative agreements. The research method in this research is descriptive-analytical by using library resources.

Keywords: Media Representation, Restorative Programs, Restorative Justice, Restoration Agreement, Murder.

تأثیر بازنمایی رسانه‌های برنامه‌های ترمیمی بر حصول توافق بین طرف‌های دعوای کیفری؛ با تأکید بر قتل عمدی^۱

سید ذرید موسوی مجاب،^۱ لیلا رهنما^۲

^۱ استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسؤل).
^۲ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران.
d.mojab@modares.ac.ir
LeilaRahnama1983@gmail.com

چکیده

عدالت ترمیمی در پی حل و فصل اختلافات از طریق سازش و مذاکره است که در نتیجه آن باید خسارت‌های بزه‌دیده جبران، و آسیب‌های او ترمیم شود؛ ضمن آنکه، بزه‌دیده و بزه‌کار باید به زندگی سالم و عادی خود در جامعه بازگردانده شوند. برای اعمال برنامه‌های ترمیمی ضروری است عناصر آن از جمله محرمانگی به درستی رعایت شود؛ این در حالی است که محرمانگی به وسیله رسانه‌های جمعی از طریق بازنمایی رسانه‌ای برنامه‌های ترمیمی به شدت نقض می‌شود و دارای اثری منفی بر حصول توافق‌های ترمیمی است. در این ارتباط، نقض محرمانگی پرونده‌های قتل عمدی و اثر منفی آن بر حصول توافق ترمیمی از رهگذر رسانه‌ای شدن وقایع، مشهود است. با شناخت و استفاده از ظرفیت‌های قانونی برنامه‌های ترمیمی و همچنین ظرفیت‌های رسانه‌های جمعی، از آنها می‌توان در جهت حصول توافق بهره گرفت. این مقاله ضمن تبیین ظرفیت‌های رسانه و برنامه‌های ترمیمی، در پی تبیین تأثیر بازنمایی رسانه‌ای برنامه‌های ترمیمی بر حصول توافق‌های ترمیمی است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و مقاله با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای شکل یافته است.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی رسانه‌ای، برنامه‌های ترمیمی، عدالت ترمیمی، توافق ترمیمی، قتل عمدی.

^۱ این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: تأثیر بازنمایی رسانه‌ای بر کاربست برنامه‌های ترمیمی، در فرآیند دادرسی کیفری؛ با تأکید بر جرایم خشونت‌بار ارائه شده توسط لیلا رهنما، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم می‌باشد.

۱. مقدمه

عدالت ترمیمی، از آموزه‌های معاصر علوم جنایی است که پیشینه‌ای به قدمت تاریخ باستان دارد. در فرایند ترمیمی یا تصالیحی، طرف‌های درگیر در یک جرم معین، به شکل جمعی یا گروهی برای حل و فصل و رسیدگی به نتایج حاصل از جرم و نیز پیامدهای آتی یا احتمالی آن تصمیم‌گیری و رایزنی می‌کنند.

عدالت ترمیمی، اصطلاح مشترکی برای اشاره به دسته گسترده‌ای از شیوه‌های نارسمی حل و فصل جرایم است که افرادی را که سهامداران اصلی رخداد جنایی به شمار می‌آیند، گرد هم می‌آورد (بریث، ۱۳۸۵، ص ۵۲۱) تا در مورد مجازات از طریق مذاکره و گفتگو به توافقی مشترک برسند.^۱ در این نوع عدالت بر ساخت روابط، میان افراد و جوامع تأکید می‌شود و نتیجه حاصله، التیام خاطر قربانیان و خاموش ساختن حس انتقام برای بازپس‌گیری حقوق پامال شده از طریق ترمیم خسارات وارده است (طیب‌زاده و اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۳).

اصطلاح عدالت ترمیمی با اینکه مفهومی نسبتاً جدید است، اما در آموزه‌های اسلامی پیشینه‌ای بس کهن دارد. «در دین مقدس اسلام از یک طرف بزه‌دیده و ترمیم و جبران خسارت‌های وارد شده به او محور و هدف است و از طرف دیگر، هم ادله نقلی و هم ادله عقلی بر ترمیم و جبران خسارت و خسارت‌زدایی تأکید دارند» (نجفی ابرنآبادی، شادمان‌فر و توجهی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۴). آیات و روایات متعددی در مورد تشویق افراد به صلح و عدم دشمنی بین آنها وجود دارد که از آن جمله در آیه ۱۰ سوره مبارکه حجرات آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»: همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند؛ بنابراین بین آنها صلح درافکنید.

مدل ترمیمی اجرای عدالت، تعارض و اختلاف را پیش از آنکه فرصتی برای خودنمایی قدرت عمومی تلقی کند، امری مرتبط با بزه‌دیده و بزه‌کار تلقی می‌کند و آن را به مثابه دارایی یا داشته‌ای می‌داند که از دست صاحبانش گرفته شده و اکنون باید به صاحبان اصلی آن بازگردد.^۲ «بر این اساس مجموعه‌ای از تدابیر شامل عذرخواهی، جبران خسارت، پذیرش مسئولیت آسیب‌ها و صدمات از طرف بزه‌کار، و تلاش‌های دیگر برای درمان از طریق مجازات‌های تکمیلی، عدالت ترمیمی تلقی می‌شود» (فرهمند و آقائی‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۶۸).

عدالت ترمیمی از رهگذر برنامه‌های خود، سعی در اجرای عدالت به شکل بهتری دارد. برنامه‌های ترمیمی، شیوه‌هایی است که در فرایند ترمیمی به دنبال نتایج و اهداف عدالت ترمیمی^۳ است. در اصل اول از بیانیه اصول پایه در مورد عدالت^۴، عدالت ترمیمی این‌گونه تعریف شده است: «برنامه عدالت ترمیمی، به معنای هر برنامه‌ای است که از فرایندهای ترمیمی استفاده می‌کند و به دنبال نتایج ترمیمی نیز می‌باشد».

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه عدالت ترمیمی نک: شیری، عباس (۱۳۹۶)، *عدالت ترمیمی*، تهران: نشر میزان. همچنین، زهر، هوارد (۱۳۸۳)؛ *کتاب کوچک عدالت ترمیمی*، ترجمه حسین غلامی، تهران: انتشارات مجد.

Wright, M., "An International Approach: What is Restorative Justice?" Paper to Seminar in Honor of Gunnell Marnell (۲۷. ۲. ۲۰۰۲ - ۱۶. ۴. ۲۰۰۲).

۲. برای مطالعه در این زمینه رک: کریستی، نیلز (۱۳۸۵)، اختلاف‌ها به مثابه دارایی، ترجمه حسین غلامی، حقوق اسلامی، شماره ۸، ص ۱۶۷-۱۹۶.

۳. Braithwaite J. (۲۰۰۰), *Standard for Restorative Justice, U. N. Crime Congress Ancillary Meeting* (Vienna Austria ۲۰۰۰), Australian National University
Sharp S. (۱۹۹۸) *Restorative justice: a Vision for Healing and Change*, First ed., Edmonton, Alberta: Edmonton Victim Offender Mediation Society, P. ۱۸۰.

۴. بیانیه اصول پایه در مورد عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، ۱۹۸۵.

این برنامه‌ها انواع مختلفی داشته که شامل میانجی‌گری، نشست‌های گروهی - خانوادگی، حلقه‌های تعیین مجازات، حلقه‌های آشتی، تعلیق مراقبتی جبرانی، پَنل‌ها و نشست‌های جامعی است^۱ (شیری، ۱۳۹۶، ص ۳۴۱).

در باب مدل‌های عدالت ترمیمی، دو مدل ناب‌خواه و بیشینه‌خواه مطرح است. ناب‌خواهان معتقدند عدالت کیفری کلاسیک، کارکرد مثبت و تأثیرگذاری ندارد و باید عدالت ترمیمی جایگزین آن شود. در مقابل بیشینه‌خواهان معتقدند نمی‌توان عدالت ترمیمی را کلاً جایگزین عدالت کیفری کرد؛ بلکه باید آن را به مثابه نظریه موازی با عدالت کیفری کلاسیک در نظر گرفت^۲ (اسدی، نجفی توانا و ناجی زواره، ۱۳۹۸، ص ۲۳۰-۲۳۱). در واقع جنبش ترمیمی «رویکرد متوازن و همه‌جانبه به شرایط جرم است و تلاش می‌نماید با ابزارهایی مانند میانجی‌گری بتواند نه تنها منافع آسیب‌دیدگان ناشی از جرم را تأمین نماید، بلکه زمینه‌های بازپذیری و باز اجتماعی شدن مجرم را فراهم آورد» (محمدی، اکبری و سایبانی، ۱۳۹۸، ص ۸۹).

برنامه‌های ترمیمی برای اعمال و اجرا، نیاز به همسویی افکار عمومی دارند؛ نیازی که از سوی رسانه‌های جمعی غالباً نادیده گرفته می‌شود. اصل امکان‌پذیری سازش از طریق برنامه‌های ترمیمی در جریان بازنمایی رسانه‌ای تحت تأثیر فشار افکار عمومی، رنگ باخته و به حاشیه می‌رود.

از منظر اسلامی، صداقت، حقیقت‌نمایی، مسؤلیت‌پذیری و سازواری خبرها با اصول اخلاقی، از مؤلفه‌های اساسی خبررسانی است، نه فوران رسوایی‌ها و آبروریزی‌ها؛ به عبارتی، چارچوب اسلامی اخلاق رسانه‌ای حکم می‌کند که رسانه‌های جمعی در هنگام بازنمایی وقایع جنایی به اصول اخلاقی پای‌بند باشند و با انتشار اخبار کذب یا جهت‌دهی شده، مانع حل و فصل اختلاف نشوند. با این حال در هنگام بروز جرم قتل عمد، رسانه‌های جمعی با بازنمایی‌های دور از واقعیت خود از ماجرا، سمت و سوی رسیدگی به جرم را تغییر داده و از مسیر عدالت منحرف می‌کنند.

بازنمایی رسانه‌ای در مفهوم خود همان تصویری است که رسانه‌ها از واقعیت در ذهن مخاطبان خود می‌سازند و می‌توان آن را نوعی عمل دلال‌گر دانست که واقعیت‌های بیرونی را انعکاس می‌دهد و به نوعی تصویری دستکاری شده از واقعیت را به نمایش می‌گذارد (استفرد، ۲۰۰۳، ص ۱۰۶-۱۰۷). در نمایش این تصویر، رسانه‌ها آینه‌وار به انعکاس واقعیت نمی‌پردازند، بلکه واقعیت را آن‌طور که می‌خواهند ساخته و یا بر ساخت آن در اجتماع تأثیر می‌گذارند؛ در واقع می‌توان گفت که بازنمایی، ساخت رسانه‌ای واقعیت است، که به انعکاس، و بازتاب معنای واقعی پدیده‌ها در جهان خارج نمی‌پردازد، بلکه به تولید و ساخت معانی جدید برای آنها، براساس چارچوب‌های مفهومی خود دست می‌زند (نک: مهدی‌زاده، ۱۳۸۷). بازنمایی رسانه‌ای به نوعی ارائه یک تصویر دور از واقعیت است که براساس چارچوب‌های اجتماعی و شرایط حاکم بر آن ساخته شده است و معمولاً نشان‌دهنده واقعیت نیست.

نکته مهمی که لازم است به آن توجه شود آن است که رسانه‌های جمعی در بازنمایی اخبار مجرمانه، هیچ‌گاه نقشی خنثی و بی‌طرف در انعکاس تصویر جرم ندارند و از آنجا که رسانه تأثیرگذاری خود بر افکار عمومی را وامدار زبان و معنا است، و زبان و معنا نیز متکی به قدرت است، نتیجتاً بازنمایی وقایع جنایی توسط رسانه‌ها، صرف نظر از اینکه عملی اخلاقی یا غیراخلاقی است، موجب سوگیری‌های ایدئولوژیک و شکل‌گیری افکار عمومی در مسیری خاص می‌شود. در جرایم قتل عمدی، بازنمایی از جرم اصولاً به روایت واقعیت و آنچه که در واقع اتفاق افتاده نمی‌پردازد،

۱. نک. به: زهر، هوارد (۱۳۸۳)، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، تهران: مجد، ص ۳۷.

بلکه دست به تولید و ساخت معانی جدید بر پایه واقعیت می‌زند. معمولاً رسانه‌ها با برجسته کردن حواشی، افکار عمومی را از اصل ماجرا دور کرده و آن را به سمت عوام‌گرایی کیفری و رسیدن به خواسته خود که همانا مجازاتی سخت و خشن است، هدایت می‌کنند.

در اخبار مجرمانه که بیشترین بازنمایی را توسط رسانه‌ها به خود اختصاص می‌دهند، واکنش مخاطب براساس تصاویری از واقعیت عمل مجرمانه که توسط اصحاب رسانه ساخته شده است، شکل می‌گیرد، که این واکنش غالباً مبتنی بر دانش یقینی و مستقیم نیست (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶). بازنمایی از اخبار مجرمانه به سرعت به افکار عمومی شکل داده و واکنش آنها را نسبت به جرم تعیین می‌کند، در نتیجه مشاهده می‌شود که جامعه و افکار عمومی نسبت به جرایم مختلفی که از رسانه‌ها بازنمایی می‌شوند، واکنش‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهند. گاهی بزهکاران بسان «شیاطین انسان‌نما» تنزل می‌یابند و گاه هم‌سطح یک قدیس قرار می‌گیرند (مگواپر، گان و رینر، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۶۸)؛ این نوع نگاه به بزهکار و بزه‌دیده را رسانه‌ها با بازنمایی خود از اخبار مجرمانه تعیین می‌کنند و به آن سمت و سوی دلخواه خود را می‌دهند و در هر حال بر اعمال برنامه‌های ترمیمی تأثیرگذار هستند.

«به‌رغم اینکه در فرایندهای ترمیمی امکان پیش‌بینی و تضمین رعایت موازین دادرسی به شیوه رسیدگی‌های رسمی وجود ندارد، در نظرسنجی‌های انجام شده، بسیاری از بزه‌دیدگان و بزهکاران فرایندهای ترمیمی را منصفانه‌تر از عدالت کیفری می‌دانند، شاید به این دلیل که در فرایندهای ترمیمی طرفین منازعه نقش فعال‌تری دارند» (فرجیها، ۱۳۹۶، ص ۶). این نتایج، نشان دهنده آن است که مفهوم عدالت ترمیمی می‌تواند به عنوان نظامی مکمل در کنار دادرسی کیفری به حل و فصل منازعات پردازد، و خود دارای اهداف، عناصر و اصولی است که با رعایت آنها می‌توان ضعف‌های نظام عدالت کیفری را برطرف و به اجرای بهتر عدالت در جامعه، برای داشتن زندگی بهتر کمک کرد.

اخبار مربوط به وقایع مجرمانه خشونت‌باری از جمله قتل عمدی - به دلیل ارتباط با امنیت عمومی، و جذابیتی که ناشی از هیجان‌انگیز بودن آنهاست - مخاطبان بسیاری را به خود اختصاص می‌دهد و طبیعی است که رسانه برای جلب مخاطب بیشتر و حفظ آنها دست به برجسته‌سازی وقایع از طریق بازنمایی بزند. در این میان به این موضوع که رفتار رسانه تا چه میزان با عدالت در شکل ترمیمی آن همسو است، اهمیتی داده نمی‌شود. همین موضوع باعث می‌شود که در جرایم قتل عمدی رسانه‌ها با وسعت بیشتری دست به بازنمایی بزنند و روند رسیدگی را تحت تأثیر جریان افکار عمومی از حالت عادی آن خارج کرده و بر حصول توافقی‌های ترمیمی نیز به شدت اثرگذار باشند. واقعیت‌ها حاکی است عدم موفقیت در دسترسی به توافقی ترمیمی، در جریان قتل‌های عمدی که رسانه‌ای شده‌اند بیشتر به چشم می‌خورد و این موضوع، نشان دهنده قدرت تأثیرگذاری رسانه‌ها بر حصول این توافق‌هاست. «عدالت ترمیمی و فرهنگ صلح و سازش مانند سایر مفاهیم حقوقی و اجتماعی، تحت تأثیر فرایند رسانه‌ای شدن قرار دارند. منظور از بازنمایی رسانه‌ای، بازتاب این مفاهیم در رسانه‌ها نیست؛ بلکه مقصود، نقش رسانه‌ها در معناداری به آنهاست. در واقع، نمی‌توان از معنای جرم، عدالت کیفری و عدالت ترمیمی بدون در نظر گرفتن میانجی‌گر رسانه سخن گفت» (همان، ص ۱۰۷).

از دیدگاه فقهی در قصاص، هرچند رویکرد اصلی سزاگرایانه است، ولی جنبه بازدارندگی و پرهیز از قصاص نیز مد نظر شارع مقدس بوده است. در آیه ۱۷۹ از سوره مبارکه بقره که می‌فرماید «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، منظور از «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» پرهیز از خونریزی است (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۷۸). مطابق این آیه، علت تشریح حکم قصاص، فقط استحقاق قاتل به کیفر نیست، بلکه تأثیری است که بر بازدارندگی عمومی در آینده دارد.

شاید بتوان این تأویل از آیه شریفه را به دست داد که اگرچه کیفر قصاص در شریعت اسلام هم جنبه ایجابی (حق بر اعمال) و هم جنبه سلبی (حق بر اغماض و عدم اعمال) دارد، لیکن جمع بین سلب حیات و حیات، جمع نقیضین است و آیه شریفه ناظر بر این معناست که بقاء و حیات قاتل، به دست ولی یا اولیای دم است که با گذشت از حق خود، گویی جان تازه‌ای به او می‌بخشند.

به هر رو، عدالت ترمیمی در پی بازدارندگی است، تا صرف اجرای مجازات‌های شدید، اما بی‌فایده. برای نیل به این مقصود لازم است که پس از شناخت ظرفیت‌های کاربست برنامه‌های ترمیمی و رسانه‌های جمعی به راه‌حلی رسید که توسط آن ظرفیت‌های موجود در همکاری با یکدیگر به کار گرفته شوند و در نهایت منتج به اجرای بهتر عدالت در شکل ترمیمی آن شود.

۲. ظرفیت‌های قانونی و قضایی کاربست برنامه‌های ترمیمی از طریق رسانه

قانون مجازات اسلامی، با الهام از مفاهیم ترمیمی و اصل کمینه‌گرایی کیفری، با هدف کیفرزدایی، بر برخی از نهادهای حقوقی تأکید کرده است؛ به این ترتیب که برخی از این نهادها به دنبال حذف مجازات هستند که از طریق گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت، معافیت از کیفر و توبه قابل اجراست؛ برخی با هدف کیفرزدایی، به دنبال تخفیف یا تبدیل مجازات‌ها با استفاده از سازوکارهای جبران خسارت یا ردّ غرامت، کسب رضایت، مجازات‌های جایگزین حبس و نظام نیمه‌آزادی هستند؛ در نهایت پاره‌ای از نهادهای حقوقی، تأکید بر تأخیر در اجرای کیفر را دارند که شامل تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم و آزادی مشروط است (فرهمند، ۱۳۹۶، ص ۶۶-۹۰). قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز با اتخاذ سیاست مشارکتی، رویکرد قوانین سابق را در دولتی بودن فرایندهای دادرسی کیفری متحول کرده و مشارکت دادن شهروندان و نهادهای جامعه‌ای را در جریان دادرسی‌های کیفری تا حدودی پذیرفته است؛ به علاوه در مواردی نیز با مورد توجه قرار دادن آموزه‌های عدالت ترمیمی و افزایش سهم بزه‌دیده در رسیدگی‌های کیفری، مداخله شهروندان و نهادهای مردم‌نهاد را در امر دادرسی کیفری فراهم نموده است. این سیاست مشارکتی در قانون آ. د. ک. خود در جلوه‌های مختلفی، از قرار افزایش نقش بزه‌دیده^۱، افزایش نقش متهم^۲، افزایش نقش شهروندان^۳، مشارکت اشخاص در میانجی‌گری^۴ و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری^۵ نمود پیدا کرده است (نک: سلیمی و بخشی‌زاده اهری، ۱۳۹۳).

۱. ماده ۱۲، بند «ب» ماده ۴۵ و ماده ۸۰ و ۸۱ ق. آ. د. ک.

۲. مواد ۸۱، ۲۴۷، ۲۱۷، ۴۴۲، ق. آ. د. ک.

۳. تبصره ذیل ماده ۴۵ و ۶۵ ق. آ. د. ک.

۴. مواد ۸۲، ۸۳، ۸۴ ق. آ. د. ک.

۵. ماده ۶۶ ق. آ. د. ک.

قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری جدید تحت تأثیر اندیشه عدالت ترمیمی و با الهام گرفتن از سایر نظام‌های حقوقی دنیا، گام‌های مؤثری در راستای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی برداشته‌اند. قانونگذار با پیش‌بینی و پذیرش نهادهای مترقی هم در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی، ظرفیت‌های مناسبی برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی را فراهم کرده است (فرهمنده، ۱۳۹۶، ص ۱۱). در صورت اقبال عمومی نسبت به اعمال و استفاده از این برنامه‌ها، قطعاً تمایل قانونگذار نیز به گسترش دایره برنامه‌های ترمیمی به سوی جرایم مهم‌تر سوق خواهد یافت.

در حالی که قانونگذار برای نخستین بار در طول تاریخ حقوقی ایران به صراحت در قانون آیین دادرسی کیفری از میانجی‌گری - که بارزترین برنامه‌ی ترمیمی است - سخن گفته است، باید در نظر داشت که هنوز این نهاد نوپا در گستره جرایم مهم و خشونت‌بار راه نیافته و به‌رغم نیاز به حل و فصل این دست جرایم در فرایند ترمیمی، از آن دور مانده است. از دیگر سو، با توجه به فرهنگ اسلامی و کهن ایران زمین و آیین‌های سنتی که در هنگام بروز جرایم خشونت‌باری همچون قتل عمد مورد اجرا قرار می‌گیرد، می‌بینیم که این‌گونه جرایم با توجه به منابع فقهی و اسلامی، حتی بدون نیاز به تصریح قانونگذار، ظرفیت‌های مناسبی برای اعمال برنامه‌های ترمیمی دارد.

در جرایم مستوجب قصاص، جلوه‌های عدالت ترمیمی به وضوح دیده می‌شود، عدم زیاده‌روی در کیفر «لَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» (اسراء، ۳۳)، تشویق به گذشت از قصاص و پرداخت دیه «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ» (بقره، ۱۷۸) و «فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ» (مائده، ۴۵) از نمونه‌های آن است؛ بدین ترتیب می‌توان در جرم قتل عمدی به طور مناسب و شایسته‌ای از برنامه‌های ترمیمی سود جست و با استفاده از این برنامه‌ها موارد بیشتری را با روشی سازش‌گرایانه حل و فصل کرد.

در رسیدگی‌های کیفری بر خلاف رسیدگی‌های حقوقی، قاضی تنها به دنبال کشف حقیقت نیست؛ بلکه در کنار آن، توجه به اینکه موضوع پرونده یک انسان است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ لذا قانونگذار با پیش‌بینی سازوکارها و اختیاراتی، به قاضی این امکان را داده است که بتواند در مورد افراد مختلفی که مرتکب یک جرم شده‌اند، مجازات‌های مختلفی را تعیین کند که در مورد هر کدام از آنها عادلانه و مناسب است و جنبه اصلاحی دارد (مصدق، ۱۳۹۲).

قوانین مجازات کیفری دارای ظرفیت‌های مناسبی برای اعمال برنامه‌های ترمیمی حتی در جرایم خشونت‌باری مثل قتل عمد هستند و با حل و فصل اختلافات از طریق این برنامه‌ها می‌توان از آثار و پیامدهای مفید آن بهره‌مند شد. بدیهی است که در صورت اعمال برنامه‌های ترمیمی، دستگاه قضا تا حدود بسیاری از انباشت پرونده‌های کیفری و تحمل هزینه‌های سنگین دادرسی فاصله گرفته و در عین آنکه نرخ ارتکاب به جرم و جمعیت زندان‌ها نیز رو به کاهش گذاشته، تعداد بیشتری از پرونده‌های کیفری نیز به طریق مسالمت‌آمیز و با حصول توافق به سرانجام خواهد رسید. مزایایی از این دست که در نتیجه اجرای برنامه‌های ترمیمی قابل وصول است، مقام‌های رسیدگی‌کننده را ترغیب به استفاده هرچه بیشتر از این برنامه‌ها می‌کند تا وقت و هزینه‌های دستگاه قضا صرف رسیدگی به جرایمی شود که ماهیتاً نمی‌توان از طریق برنامه‌های ترمیمی به آنها رسیدگی کرد یا در فرایند رسیدگی ترمیمی با شکست مواجه شده است. «خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید به دفعات مسلمانان را به اصلاح بین مردم امر فرموده و آنها را در اختلافات بین خود توصیه و سفارش به مصالحه کرده و صلح را برتر و بهتر معرفی کرده است.

در حقیقت، خداوند متعال هم به اصلاح و ایجاد سازش به مسلمانان امر کرده است و هم طرفین اختلاف و منازعه را به سازش و مصالحه توصیه و سفارش نموده است» (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۹).

با نگاهی به گذشته درمی‌یابیم که وجود آیین‌های مختلف در جوامع سنتی بازگوی آن است که مردم قبل از رسیدگی‌های رسمی، خواهان رسیدگی‌های غیررسمی برای حل مشکلات خود بودند و اگر روش‌های غیررسمی نمی‌توانست خسارت بزه‌دیده را جبران و آلام او را تسکین دهد، راه برای رسیدگی‌های رسمی باز بود (عزیزی، ۱۳۸۸). چنین طرز تفکر سنتی در جامعه، ظرفیت مناسبی را برای رسانه‌های جمعی به لحاظ فرهنگی و اجتماعی ایجاد کرده است تا با توجه به نفوذی که در افکار عمومی دارند و تکیه بر فرهنگ کهن جامعه و آموزه‌های اسلامی نسبت به اعمال برنامه‌های ترمیمی از طریق تقویت و تحکیم فرهنگ صلح و سازش در جامعه به جای اجرای مجازات، تأثیرگذار باشند. درباره اصلاح ذات‌البین خداوند متعال در آیات ۹ و ۱۰ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: اصلاح و ایجاد صلح و آشتی باید در سایه عدالت و بازگرداندن حق هر کس به او صورت گیرد و همراه با جبران و ترمیم خسارت‌های وارد شده باشد. قرآن کریم همچنین در ادامه می‌فرماید: «مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس بین دو برادر خود صلح و آشتی برقرار کنید» (حجرات، ۹ - ۱۰).

در راستای ظرفیت‌های بسیار مفید و ارزشمند قانونی و قضایی برنامه‌های ترمیمی، باید از نهاد مؤثر و پُر قدرتی به عنوان رسانه نیز سخن گفت و با شناخت ظرفیت‌های آن در به کارگیری هرچه بیشتر برنامه‌های ترمیمی از طریق رسانه و تأثیری که بر حصول توافق‌های ترمیمی می‌گذارد، پرداخت، زیرا «امروزه رسانه‌های خبری شکل دهنده دیدگاه‌های مردم و حتی مسؤولان و نخبگان سیاسی یک کشور، و یکی از ارکان قدرت نرم هستند» (قدیری ایبانه، ۱۳۹۵، ص ۱۵). رسانه‌های جمعی هنگام وقوع جرم قتل عمدی خواسته یا ناخواسته با بازتاب خبر قتل به مسیر عادی و عادلانه رسیدگی به آن حتی در فرایند کیفری سمت و سو می‌دهند و معمولاً اجازه نمی‌دهند که رسیدگی در فضایی آرام و ترمیمی انجام شود. رسانه‌ها با استفاده از برجسته‌سازی، و دیگر تکنیک‌های رسانه‌ای، روایت مجرمانه را در مسیری که خود می‌خواهند به حرکت درآورده و توجه عموم را از دیگر زوایا و ابعاد آن سلب می‌کنند. آنها می‌توانند با این جریان‌سازی، دایره وسعت انتقال اخبار و کیفیت پخش آن را تعیین کنند (ولتمر، ۲۰۰۹).^۱

«در جامعه کنونی، اکثر پدیده‌های اجتماعی از طریق رسانه‌های گروهی معرفی و به نوعی بازتولید می‌شوند؛ به گونه‌ای که اگر موضوعی در هیچ یک از انواع رسانه بازتاب نیابد، گویی وجود خارجی نداشته است. اخبار جنایی نیز از این امر مستثنی نیست. تولیدات اخبار مربوط به جرم در بستر جامعه نوعاً از طریق رسانه‌های گروهی معرفی و درک می‌شوند. اکثر مردم تجربه شخصی کمی در رابطه با جرم و جنایت دارند. از همین رو، تصویر مردم در این خصوص، بیش از هر چیز برگرفته از تصویری است که رسانه‌ها به نمایش می‌گذارند» (آسیایی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲). رسانه‌های جمعی می‌توانند از این ظرفیت خود جهت آموزش مفاهیم گوناگون استفاده کنند.

«اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباطی در جوامع معاصر به حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سینما نقش آموزش موازی^۲ یا آموزش دائمی^۳ قائل هستند» (رسولی، ۱۳۷۰، ص ۷۰).

۱. Voltmer
۲. Parallel Education
۳. Permanent training

دانیل لرنر^۱ محقق آمریکایی بر این نظر است که رسانه‌های همگانی قادرند نگرش‌های اجتماعی را تغییر دهند و حس همدلی و مشارکت بیشتری را در مردم پدید آورند (لرنر، ۱۹۸۵م، ص ۳۲). این قابلیت در مورد رسانه‌های جمعی به آنها این امکان را می‌دهد که به راحتی مفاهیم و برنامه‌های مختلف از جمله برنامه‌های ترمیمی را به مخاطبان خود معرفی کرده و آموزش دهند.

رسانه‌های جمعی به خودی خود، دارای اعتماد عمومی هستند و قدرت تأثیرگذاری شگرفی بر مخاطبان خود دارند. آنها می‌توانند با ایجاد یک فرهنگ رسانه‌ای، اقدام به نهادینه کردن برنامه‌های ترمیمی در جامعه کنند و آنها را به شکلی نظام‌مند و در قالب برنامه‌ها یا گزارش‌های خبری ارائه دهند. با شناخت و بهره‌گیری صحیح از ظرفیت‌های رسانه، می‌توان این قدرت رها شده و سرکش را در خدمت عدالت در شکل ترمیمی آن به کار گرفت.

رسانه‌های جمعی و برنامه‌های ترمیمی هر کدام دارای ظرفیت‌های مناسبی هستند. در صورتی که این ظرفیت‌ها در جهت هم‌سو با یکدیگر به کار گرفته شوند، می‌توان در نتیجه آن برنامه‌های ترمیمی را بیشتر و با کیفیت بهتری به افراد معرفی کرد و آن را در جرایم بیشتری استفاده کرد. از جمله می‌توان با کمک ظرفیت‌های یاد شده، به اعمال بیشتر برنامه‌های ترمیمی با رعایت اصول و عناصر آن به کمک ظرفیت‌های رسانه در جرایم قتل عمد کمک کرد تا در ضمن اجرای صحیح عدالت، کمتر شاهد مجازات قصاص - که نمود بارز خشونت است - باشیم. در حال حاضر بازنمایی رسانه‌ای از برنامه‌های ترمیمی در جرایم قتل عمدی به شدت بر حصول اهدافی که در نتیجه اجرای برنامه‌های ترمیمی برشمرده شده، تأثیرگذار است.

۳. بررسی تأثیر بازنمایی رسانه‌ای برنامه‌های ترمیمی بر توافق طرف‌های دعوا

در فرایند ترمیمی یکی از مهم‌ترین عناصر، رعایت محرمانگی است؛ بدین معنا که کلیه جلسه‌ها و برنامه‌های ترمیمی باید کاملاً محرمانه انجام شود تا اطراف جرم با اطمینان و امنیت خاطر از اینکه اظهاراتشان در جای دیگر و علیه آنها استفاده نمی‌شود، اقدام به بازگو کردن حقیقت کرده و احساس واقعی خود را نسبت به بزه واقع بیان کنند. آنگونه که در اصل چهاردهم اصول پایه عدالت ترمیمی آمده است: «فرایندهای ترمیمی که در حضور عموم اجرا نمی‌شوند، باید محرمانه باقی بمانند و پس از آن نباید افشا شوند؛ به جز مواردی که طرفین توافق کرده باشند و یا قانون ملی آن را لازم بداند».

رعایت محرمانگی در مورد جرایم کم‌اهمیت که مورد علاقه‌ی رسانه‌ها نیست می‌تواند با جمع شرایط دیگر به درستی رعایت شود. اما در جایی که یک جرم مهم مانند قتل - که به دلیل توجه افراد به آن، مورد علاقه رسانه‌های جمعی است - اتفاق می‌افتد، نمی‌توان چندان به رعایت عنصر محرمانگی امیدوار بود. محرمانه بودن مذاکرات ترمیمی به آن معناست که «گفتگوهایی که در فرایند عدالت ترمیمی و در حضور عموم مردم اجرا نمی‌شود، می‌باید محرمانه باقی بماند و پس از آن هم نباید افشا شود» (حسین‌وند، ۱۳۹۴، ص ۳۹).

۱. Daniel Lerner

معمولاً خبر ارتکاب قتل با تمام جزئیات راست و غلط و بدون توجه به حقوق متهم و بزه‌دیده در مدت زمان بسیار کوتاهی تیتراژ اول اخبار جنایی روز شده و به دنبال آن رسانه‌ها با هدف جلب مخاطب بیشتر اقدام به انتشار جزئیات دقیق‌تری از آن به صورت لحظه‌ای کرده و افکار عمومی را در جهت دلخواه شکل داده و هدایت می‌کنند. از منظر فقهی و براساس آموزه‌های اسلامی، با گذشت اولیای دم، قصاص ساقط می‌شود. این عفو ممکن است به طور مطلق یا در مقابل دیه و یا صلح بر مبلغی بیشتر یا کمتر از دیه باشد.^۱ در همین راستا در جرایم قتل عمد، دادگاه‌ها اقدام به برگزاری جلسات صلح و سازش کرده و سعی در گرفتن رضایت اولیای دم بدون اخذ دیه یا با اخذ آن را دارند، ولی غالباً روند این جلسات همانند روند رسیدگی به اصل جرم از مرحله‌ی مقدماتی تا اجرای مجازات، توسط رسانه‌ها منعکس شده و این انعکاس آثاری را بر اجرای برنامه‌های ترمیمی و رسیدن به توافق از خود به جای می‌گذارد.

«عدالت ترمیمی و فرهنگ صلح و سازش، مانند سایر مفاهیم حقوقی و اجتماعی، تحت تأثیر فرایند رسانه‌ای شدن قرار دارند. البته منظور، بازتاب این مفاهیم در رسانه‌ها نیست؛ بلکه نقش رسانه‌ها در معنادگی به آنهاست. در واقع، نمی‌توان از معنای جرم، عدالت کیفری و عدالت ترمیمی بدون در نظر گرفتن میانجی‌گر رسانه سخن گفت» (فرجیها، ۱۳۹۶، ص ۱۰۷). در چنین شرایطی افکار عمومی که از وقوع جرم ترسیده و قدرت دولت و پلیس را در حفظ امنیت عمومی خدشه‌دار شده دیده، با هدایت رسانه‌های جمعی خواستار برخورد جدی با قاتل است، به این امید واهی که مجازات او امنیت را به جامعه بازگردانده و دیگر شاهد تکرار چنین جرایمی نخواهد بود. این در حالی است که تمام آمار و تحقیقات انجام شده نشان دهنده آن است که اجرای مجازات هیچ تأثیری بر کاهش نرخ ارتکاب جرم نداشته است. «تعجیل و شتاب‌زدگی در تدوین یک سیاست جنایی ضد بزهکاری، بر مبنای اصول شرعی، مجالی را برای تأمل و تدبیر علمی و شناسایی نیازها و رعایت مصالح اجتماعی در امر قانونگذاری و تکوین سیاست‌های کلان قضایی و اجرایی باقی نگذاشته است» (نجفی توانا، ۱۳۸۶، ص ۲۲۶).

در پرونده ربوده شدن طفل شش ماهه به همراه خودروی پدر خود،^۲ رسیدگی خارج از روال و فوق‌العاده سریع - که ناشی از تصمیمات عوام‌گرایانه‌ی دولت‌مردان^۳ بود - صورت گرفت و مجال اینکه بزهکار با بزه‌دیدگان خود مستقیماً صحبت کند و تلاش خود را در توافق و کسب رضایت از آنها نماید، سلب شد؛ در حالی که می‌شد با استفاده از ظرفیت‌های ترمیمی، به این دعوی پایانی بهتر از قصاص داد.^۴ در عمل مشاهده شد که با مداخله رسانه‌ها و به نمایش گذاشتن تمام مراحل رسیدگی، از جمله جلسات صلح و سازش، اولیای دم اگر هم در درون خود موافق با گذشت یا

۱. در این ارتباط نک. م. ۳۴۷ ق. م. ا.

۲. ایسنا: با قصاص عامل جنایت، پرونده «بنیتا» بسته شد. قابل دسترسی در www.isna.ir دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۷. کد خبر: ۹۷۰۳۲۸۱۳۱۶۲

۳. جهت مطالعه بیشتر پیرامون عوام‌گرایی کیفری بنگرید به: پرت، جان (۱۳۹۲)، **عوام‌گرایی کیفری: بسترها، عوامل و آثار**، ترجمه هانیه هژبرالساداتی، تهران: نشر میزان. همچنین رک: فرجیها، محمد؛ مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۰)، ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا، مطالعه تطبیقی، *مطالعات حقوقی تطبیقی*، شماره ۲، ص ۱۵۵-۱۳۷.

۴. شاید اگر بازتاب رسانه‌ها از این خبر آن قدر وسیع صورت نمی‌گرفت، اولیای دم با دریافت دیه رضایت می‌دادند و یا گذشت می‌کردند؛ بزهکار نیز در پی تجربه حس شرمساری و ندامت خود، اقدام به فعالیتی در جهت کسب رضایت از اولیای دم می‌کرد. این امکان وجود داشت که آنها، با دیدن احساس ندامت او، به یاد می‌آوردند که پدر طفل نیز، در این اتفاق حزن‌انگیز با بی‌احتیاطی خود، موجبات تسهیل ارتکاب جرم را فراهم کرده، سهمی در وقوع آن داشته است؛ شاید آن موقع همه تقصیر، متوجه یک فرد نمی‌شد و نوع نگاه به کلی تغییر می‌کرد.

اخذ دیه بودند، دیگر اختیاری برای تصمیم‌گیری نداشتند؛ چراکه حالا دیگر آنها خواسته یا ناخواسته، مجبور به اخذ تصمیمی بودند که صرفاً افکار عمومی را راضی کند، نه اینکه آلام آنها را تسکین دهد؛ در غیر این صورت ممکن بود که خود آنها نیز نزد افکار عمومی، متهم به سازش با بزه‌کار و حمایت از او می‌شدند، و علاوه بر رنج بزه‌دیدگی باید به دنبال توجیه افکار عمومی نسبت به موضوعی بودند که هیچ ارتباطی به آنها نداشت.

«عقاید مردم تا حدودی تحت تأثیر عواطف، عقاید و آداب و رسوم قرار دارد که در پی وقوع جرایمی استثنایی از طریق رسانه‌ها مطرح می‌شود. البته رسانه‌ها در کشاندن افکار عمومی در جهتی خاص، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. در پی بیان نظرات مردم و انتظارات و توقعات آنان چنین به نظر می‌رسد که قشر کثیری از آنان خواهان اجرای مجازات‌های سنگین و شدید، و برپایی عدالت و اجرای امنیت هستند. پس از وقوع جنایت و انتشار اخباری از آن حادثه، که با بزرگ‌نمایی رسانه‌ای همراه است، احساس ترس و ناامنی در سراسر جامعه گسترده می‌شود. اغلب مردم افزایش بزه‌کاری و ناکارآمد بودن روش‌های اصلاح و درمان را عامل اصلی این جرایم معرفی می‌کنند» (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۳۰). و فشار افکار عمومی، راه را بر هرگونه توافقی می‌بندد و بزه‌دیده را حتی اگر واقعا تمایل به سازش و مصالحه داشته باشد، وادار به تسلیم در برابر خواست خود می‌کند.

برنامه‌های ترمیمی از جمله میانجی‌گری که مهم‌ترین برنامه ترمیمی در جرم قتل عمد به حساب می‌آید، تحت تأثیر رسانه‌ها نمی‌تواند آن طور که شایسته است انجام شود. رسانه‌ها به دنبال اهداف اصحاب خود جلسات ترمیمی را از مسیر عادی خود خارج کرده و کنترل و هدایت آن را به طور غیرمستقیم در دست می‌گیرند. آنها با غوغاسالاری رسانه‌ای قادرند از هر کدام از طرفین جرم یک قهرمان ساخته یا آنها را تبدیل به شیاطین انسان‌نمایی کنند که باید از میان برداشته شوند.

در پرونده قتل بهنود شجاعی^۱، نوجوان قاتلی که در هنگام ارتکاب جرم تنها ۱۷ سال سن داشت، رسانه‌ها با هدف حمایت از او و اخذ رضایت از اولیای دم، دست به قهرمان‌سازی از او زدند و ماجرا را به گونه‌ای بازنمایی کردند که گویی قاتل حق داشته دست به ارتکاب جرم زند و عمل مجرمانه او را توجیه کردند. همین امر باعث شد که اولیای دم به شدت بر اجرای مجازات قصاص تأکید کرده و راضی به گذشت یا اخذ دیه نباشند.

«رسانه می‌تواند انگیزه، فرصت، ظاهر و سابقه فرد متهم را تشریح کرده و سپس رفتار کارکنان نظام عدالت کیفری [و دیگران] را در واکنش به فردی که در رسانه به عنوان فردی فاسد یا غیراخلاقی [یا مثبت و مظلوم] معرفی شده توجیه نماید» (استیونس، ۱۳۹۲، ص ۵۳)^۲، و این مهر تأییدی است بر قدرت شگفت‌انگیز رسانه که حتی می‌تواند در انتخاب نوع برخورد با متهم از سوی مقام‌های قضایی، نقشی تعیین‌کننده داشته باشد.

از نگاهی دیگر، بازنمایی برنامه‌های ترمیمی توسط رسانه‌ها ضمن نقض حریم شخصی افراد درگیر در جرم، امکان ادامه زندگی عادی را از آنها و اطرافیان‌شان تا مدت‌ها و شاید برای همیشه سلب خواهند کرد. «یکی از خصایص نظام کیفری اسلام حاکمیت اصل شخصی بودن مجازات‌هاست. با توجه به اهمیتی که نظام اسلامی برای آزادی فردی و

۱. اعتماد، ۱۳۸۷/۷/۲۰، بهنود شجاعی بامداد دیروز به دار آویخته شد: آخرین برگ پرونده‌ی بهنود، قابل دسترسی در <https://www.magiran.com>

تاریخ دسترسی در ۱۳۹۸/۸/۱۹، کد خبر: ۲۰۷۵.

۲. Stevens

امنیت قضایی قائل است، قبول مسئولیت شخصی اجتناب‌ناپذیر است. این اصل یکی از عناصر جوهری کیفر در اسلام قلمداد می‌شود و دارای ریشه‌های قرآنی است» (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹)، مستند قرآنی آن نیز آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» است که ۵ بار در قرآن تکرار شده و حاکی از اهمیت آن است (فاطر، ۱۸؛ انعام، ۱۶۴؛ اسراء، ۱۵؛ زمر، ۷؛ نجم، ۳۹).

افشاگری‌های رسانه در مورد قاتل و مقتول علاوه بر نقض شخصی بودن مجازات‌ها و تضییع حقوق بزهکار^۱ می‌تواند باعث آن شود که اولیای دم به‌رغم رضایت باطنی خود به گذشت یا اخذ دیه ناچار از درخواست قصاص نفس شوند تا از این طریق بتوانند آبروی از دست رفته خود را بازگردانند؛ این امر یکی از آثار منفی نقض عنصر محرمانگی در برنامه‌های ترمیمی است. در مورد پرونده ریحانه جباری^۲ - دختر جوانی که مرتکب قتل یک مرد میان‌سال با انگیزه دفاع از خود در برابر قصد تجاوز به وی شده بود - شاهد بودیم که رسانه‌ها باز هم به بهانه حمایت از بزهکار از او یک قهرمان ساختند که سبب عفت و پاکدامنی بود و مقتول را مبدل به مردی بوالهوس و بی‌بندوبار کردند که به دنبال هوی و هوس خود قصد تعرض به دختری بی‌گناه را داشته، این دلیل محکمی شد تا اولیای دم به‌رغم نداشتن مشکلی برای گذشت و نه حتی اخذ دیه، به جهت بازگرداندن وجهه و آبروی خانوادگی از دست رفته خود، درخواست مجازات قصاص نفس را کنند و آن را به اجرا درآورند. هرچند که مطابق با اصل علنی بودن رسیدگی‌ها، قانون به رسانه‌ها این اجازه را داده است که در راستای فعالیت‌های خود امکان حضور و دسترسی به نحوه محاکمات صورت گرفته را به صورت محدود داشته باشند؛ اما رسانه‌ها ممکن است در راستای انجام فعالیت‌های خود، با نقض حریم شخصی بزه‌دیده و ارسال اطلاعات شخصی مثل نام و محل زندگی یا سوابق بزه‌دیده، او را دچار بزه‌دیدگی ثانویه کنند (مالچ، ۱۳۸۴).

آبرو، شرف و حیثیت انسان‌ها مورد حمایت اسلام است و اجازه‌ی هتک حرمت به آنها داده نشده است (حجرات، ۱۱). مطابق با اصل منع تجسس، «حریم زندگی شخصی مردم محترم و جستجو و تحقیق در زندگی آنان امری زشت و ناپسند است. برای کشف و تعقیب در مورد یک جرم انتسابی به متهم، هیچ‌گاه نمی‌توان بدون دلیل به تفتیش زندگی شخصی او پرداخت و از جزئیات پنهان او اطلاع حاصل کرد» (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۸). بنابراین، نقض عنصر محرمانگی که به تبع نقض اصل شخصی بودن مجازات‌ها و نقض حریم شخصی افراد، توسط بازنمایی رسانه‌ای از وقایع مجرمانه و برنامه‌های ترمیمی به وجود می‌آید، می‌تواند بر حصول توافقی‌های ترمیمی تأثیرگذار باشد.

۱. اصول ۳۹ و ۳۵ ق.ا.

۲. خبر آنلاین، ۱۳۹۳/۷/۷، ماجرای پرونده ریحانه جباری چه بود؟ قوه قضائیه می‌توانست او را اعلام نکند؟، قابل دسترسی در <https://www.khabaronline.ir>، تاریخ دسترسی در ۱۳۹۸/۹/۲۵، کد خبر: ۳۸۲۷۶۹.

۴. نتیجه‌گیری

بازنمایی برنامه‌های ترمیمی در روند دادرسی کیفری، بدون رعایت حقوق طرف‌های دعوای کیفری و نقض محرمانگی جلسه‌های صلح و سازش، نه تنها زمان رسیدگی را طولانی‌تر می‌کند، بلکه می‌تواند به دلیل همگانی شدن اطلاع مردم از آنها، بزه‌دیده یا کسان وی را مجبور به پیگیری روند دادرسی رسمی کند.

رسانه‌های جمعی با برجسته‌سازی یا جریان‌سازی از اخبار و وقایع مجرمانه، آنها را در جهتی مخالف با مفاهیم ترمیمی پیش می‌برند و ضمن تأثیرگذاری بر آزادی عمل مقام‌های قضایی، خود عاملی جهت عدم دستیابی طرف‌های دعوای کیفری به توافق و نیز موفقیت‌آمیز بودن برنامه‌های ترمیمی می‌شوند.

در جامعه اسلامی که مشحون از آموزه‌های دینی و اخلاقی در جهت زمینه‌سازی به منظور برقراری صلح و رفع خصومت، احترام به حقوق افراد و نیز صیانت یا حمایت از حریم شخصی آنان است، باید نسبت به تحکیم و تقویت مفاهیم و برنامه‌های ترمیمی همت گمارد.

شایسته است که رسانه با بهره‌گیری صحیح از ظرفیت‌های خود، از رهگذر اعمال برنامه‌های ترمیمی در رسیدگی‌های کیفری، گامی مؤثر برداشته و فرهنگی ایجاد شود که در سایه آن، بزه‌کار این فرصت را داشته باشد که بتواند با بزه‌دیده خود مستقیماً و بدون حضور و دخالت رسانه‌ها، به گفتگو بنشیند و تلاش خود را در جهت اخذ رضایت و جبران خسارت آنها مبذول نماید.

قانونگذار باید ضمن نهادینه‌سازی قانونی برنامه‌های ترمیمی در همه جرایم، بویژه جرایم مهم و خشونت‌بار، با وضع قواعد و ضوابط صریح، هرگونه بازنمایی رسانه‌ای وقایع مجرمانه در روند دادرسی کیفری و در جریان پیاده‌سازی برنامه‌های ترمیمی را محدود یا ممنوع نماید. بی‌گمان رسانه‌ای کردن وقایع مجرمانه تا پیش از قطعیت حکم، از جمله اخبار مربوط به جرایم خشونت‌بار یا قتل عمدی، نه تنها ناقض اصول دادرسی منصفانه بویژه اصل محرمانگی اطلاعات پرونده کیفری است، بلکه بر حصول نتایج حاصل از توافقات و تلاش‌های مربوط به برنامه‌های ترمیمی - چه از سوی اشخاص حقیقی و چه از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد و غیر دولتی - تأثیر منفی خواهد گذاشت. از این رو ممنوعیت یا محدودیت مداخله رسانه‌ها در پرونده‌های کیفری تا قبل از نهایی شدن حکم یا حصول توافق قطعی و ترمیمی ضروری است و در این خصوص، باید از سوی قانونگذار ضمانت اجرای کیفری مناسبی در نظر گرفته شود.

قرآن کریم.

۱. استیونس، دنیس ج (۱۳۹۲). رسانه و عدالت کیفری: تأثیر بازنمایی صحنه‌ی جرم. ترجمه‌ا. عزیززاده و ح. نیکوکار. تهران: علامت.
۲. اسدی، محمدعلی؛ نجفی توانا، علی؛ ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۸). رویکرد ترمیمی عدالت، آسیب‌شناسی و بهبود عملکرد. دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۸۵، صص ۲۱۷-۲۴۷.
۳. آسیایی، رویا (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناسانه بازتاب جرم در مطبوعات. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۱۱، صص ۱۰۱-۱۰۳.
۴. اکبری، عاطفه (۱۳۹۴). قانونگذاری مبتنی بر وقایع مجرمانه. تهران: انتشارات مجد.
۵. بریث، ویث جان (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی. ترجمه مهرداد رایجیان اصلی. تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، صص ۵۲۱-۵۷۰.
۶. پرت، جان (۱۳۹۲). عوام‌گرایی کیفری: بسترها، عوامل و آثار. ترجمه‌هانیه. هژبرالساداتی. تهران: میزان.
۷. حسینوند، موسی (۱۳۹۴). میانجی‌گری ترمیمی در پرتو آموزه‌های عدالت ترمیمی. تهران: مجد.
۸. رسولی، محمدرضا (۱۳۷۰). نقش آموزشی رادیو در ایران: کارکردهای آموزشی رسانه‌ها در توسعه رسانه، شماره ۶، صص ۷۰-۷۵.
۹. سلیمی، صادق؛ بخشی‌زاده اهری، امین (۱۳۹۳). تحلیل ماده‌به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق. تهران: جاودانه، جنگل، چاپ دوم.
۱۰. سورین، ورنر جوزف؛ تانکارد، جیمز (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۱. شیری، عباس (۱۳۹۶). عدالت ترمیمی. تهران: میزان.
۱۲. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۸). ترجمه تفسیر المیزان. تهران: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ چهارم، جلد اول.
۱۳. طیب‌زاده، پونه؛ اسلامی، رضا (۱۳۹۷). تأثیر عدالت ترمیمی بر تحقق اهداف کلان عدالت انتقالی. پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۳، صص ۲۱۳-۲۴۷.
۱۴. عزیزی، حشمت اله (۱۳۸۸). بسترهای تاریخی عدالت ترمیمی در ایران. به سفارش معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه مرکز، مطالعات توسعه قضایی. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. فرجیها، محمد (۱۳۹۶). دیباچه در: دانش‌نامه عدالت ترمیمی. در: مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم. تهران: میزان.
۱۶. فرهنگ، مجتبی (۱۳۹۶). جلوه‌های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران. تهران: میزان.
۱۷. فرهنگ، مجتبی؛ آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۵). جلوه‌های عدالت ترمیمی در نهادهای موجب سقوط کیفر در قانون مجازات اسلامی. دانش انتظامی، شماره ۷۲، صص ۶۸-۹۱.

۱۸. قدیری ابیانه، احمد (۱۳۹۵). *تکنیک‌های عملیات روانی در حوزه رسانه و خبر*. ری: دانشیاران ایران، چاپ پنجم.
۱۹. مالچ، مارک (۱۳۸۴). *بزه‌دیدگان در معرض قضاوت: آیا اصل علنی در خدمت بزه‌دیدگان است؟*. در: جرم، بزه‌دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه). جرم. ویراستار کاپتین هنریک و مالچ نیکل مارک؛ ترجمه امیر سماواتی پیروز. تهران: خلیلیان.
۲۰. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳). *قواعد فقه (۴)*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ چهارم.
۲۱. محمدی، رحمان؛ اکبری، محمد؛ سایبانی، علیرضا (۱۳۹۸). پلیس؛ عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم در جوامع محلی. *پژوهش ملل*، شماره ۴۶، ص ۹۰-۱۰۶.
۲۲. مصدق، محمد (۱۳۹۲). *شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی*. تهران: جنگل، جاودانه، چاپ سوم.
۲۳. مگواپر، مایک؛ مورگان، راد؛ رینر، رابرت (۱۳۸۹). *دانش‌نامه جرم‌شناسی آکسفورد*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: میزان، جلد اول.
۲۴. مهدی‌زاده، محسن (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت مطبوعاتی و اطلاع رسانی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ شادمان‌فر، محمدرضا؛ توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۷). *اصلاح ذات‌البین و نظریه عدالت ترمیمی*. *مدرّس علوم انسانی*، شماره ۵۸، ص ۱۹۳-۲۲۲.
۲۶. نجفی توانا، علی (۱۳۸۶). *تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران*. *تحقیقات حقوقی آزاد*، شماره ۵۶، ص ۲۲۳-۲۷۸.
۲۷. Lerner, D. (۱۹۵۸). *The passing of traditional society. Modernizing the Middle East*, N. Y., Free Press, ۴۶۶P.
۲۸. Voltmer, Katrin (۲۰۰۹). **Mass Media and Political Communication in New Democracies**. London: Routledge, ۲۶۲ Seiten.